

آموزشها

قسمت دوم

قرآن کریم و سیره پیغمبر بزرگ اسلام دو منبع اصلی و پراهمیت برای بالا بردن سطح فرهنگ مسلمانان میباشد. افکار مسلمانان بواسطه آموزشهای گرانهای این دو منبع بزرگه که مشتمل بر عقائد، حقوق، ادبیات و غیره، ضرب المثلهای، داستانهای آموزنده و تواریخ بوده تغییر یافت، سطح فکر آنها بالا رفت و تربیت کاملی یافتند.

ما چون باین دو منبع مراجعه کنیم بطور واضح ببخشها و قسمتهای گوناگون «اجتماعی» و «اقتصادی» و غیره بر میخوریم، و پاره ای از مباحث «روانشناسی» را نیز در آنها می یابیم.

این بخشها که با زبان ساده و بامعنی دینی بیان شده است. موضوعات قابل توجهی را تشکیل میدهد، مثلاً برای مبارزه با حسد که یک مرض اخلاقی و حیوانیتی است. در روایت معتبری می بینیم که پیغمبر اکرم فرموده است هر گاه حدود انظار حسادت خود را ننماید گناه محسوب نمی شود (۱) واضح است که این طریق مبارزه نفسانی و عملی و ساده است، زیرا با آن نگاه که حسود هیچ واکنش عملی و زبانی نشان نداد رفته رفته این مرض که برخلاف طبیعت انسانی است ذوب شده و بتدریج از میان می رود، همچنین در باره وسوسه در خیر آمده است که شیطان را با اعتنا و توجه بوسواس عادت ندهید (۲) و بر آستی بهترین طریقه معالجه وسوسه بی توجهی باست. در باره اظهار ابیهای روحی که بعد از گناه و با در حال سفر و نقل و انتقال حاصل شده و غالباً خود موجب حوادثی است با توبه و صدقه که آنرا دافع بلا دانستند و وسیله آرامش فراهم شده و بالاخره در باره عقده های جنسی سعی شده با ازدواج در سنین اول عمر و مخالفت زن از هر نوع تحریک و فریبندگی در سخن گفتن و حرکات از آنها جلوگیری بعمل آید.

مادر این بحث بیچوجه نمی توانیم از قسمتهای گوناگون آموزشهای اسلامی بحث کنیم فقط اشارهای مختصر بمثلای قرآنی نموده انظار را بنگه ای بسیار جالب توجه می دهیم.

در قرآن کریم و سنت، بسیاری از مثلها آمده است، این مثلها برای مقصودهای دیگری ذکر شده و بیچوجه مقصود از آن، آموزش خود آن اعمال نمی باشد.

این مثلها گاه پدیده ای گیجانی یا شرح حرکات خورشید و ماه و ستارگان و یا صحنه ای از کتاب عجیب خلقت را بیان می کند و برای اثبات عقیده باعبرت و تربیت اخلاقی نتیجه گیری می شود .

موضوع قابل توجهی است که مثلها عموماً با آخرین نظریات علمی تطبیق می نماید و پیچیده افکاری را که در زمان نزول قرآن و بعد از آن مورد قبول دانشمندان بوده است نقل نمی کند و بطور خلاصه فرهنگ عصر قرآن بهیچوجه اثر آن سنت را تحت تأثیر خود فرار نداده است و این خود بهترین شاهد بر الهی بودن قرآن است و اثبات می کند که آورنده قرآن، بشری است که از منابع فرهنگی زمان خود مطلب را آموخته باشد نمی باشد .

اکنون بچند مثال زیر توجه کنیم :

دوسومه نمل آیه ۸۸ میخوانیم و کوهها را جامعی بنداری در حالی که مانند این در حرکت است این آیه باشوئع خدائی است که همه چیز را با نهایت دقت محکم ساخته است و آگاه همه کارهای شماست (۱)

دوسومه یاسین آیه ۴۰ نیز میخوانیم : و خورشید نمی تواند بنام برسد و نیز شبی نمی تواند بروز پیشی گیرد و هر کدام درمداری شنا کرده (۲) در این آیه روز نخست شرح شده است و این ظاهراً با نظریه علمی خلقت زمین کاملاً تطبیق می کند . زیرا زمین مشتمل که از خورشید جدا شد شبی نمی تواند داشته باشد بلکه در حال روشن و روز محسوس می شود و چون سرد و خاموش شد و روز شب پدید آمد . از طرف دیگر این عبارت که خورشید و ماه در مسیر و مدار خود شناورند کاملاً با هیئت بطلمیوسی که معتقد بسیر فلک و سیر خورشید و ماه بالفلکهای آنها بوده است میبایست دارد در حالیکه هیئت بطلمیوس جزئی از فرنگی است که صوملی زمان قرآن بوده است .

و نیز دوسومه نعام آیه ۱۲۵ میخوانیم و کسیرا که خدایند میخواند راههای گمشده او را برای پذیرفتن اسلام بازمی کند و کسیرا که گمراه می نماید سینه او را تنگ میکند و در فشار قرار میدهد مانند کسی که با آسمان بالا برود (۳) این مثال زیبا که علم امروز بخوبی آنرا نشان

(۱) و ترى الجبال تحسبها حامده و هی تمرمر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء و انه خبیر بما تعملون .

(۲) لا الشمس بین ینها ان تدرک انامر ولا اللیل سابق النهار و کل فرکک یسبحون .

(۳) فمن برد الله ان یهدیه بشرح صدره للإسلام و من یردان یضله یجعل شیئاً حرجاً کالما یسعد فی السماء ...

خبر دهد چنانچه توحه است (۱) .

و دوسومه و الذاریات آیه ۴۷ می بینیم و آسمان را با قدرت خود ساختیم و ما آنرا دائماً توسعه میدهیم (۲) از این آیه کاملاً بدست می آید که فضا دائماً در حال توسعه است و این حقیقت را جز در این اواخر که عالم ریاضدان بلژیکی «لوهوتر» نظریه توسعه جهان و ازدیاد اجرام آسمانی را اظهار کرده و مورد قبول قرار گرفت ، کسی نمی دانست .

ما در اینجا به همین چند مثال . اکتفا کرده اند که می دهیم که این بحثها مورد مطالعه و شرح قرآن نبوده و بعنوان شاهد و باعبرت ذکر شده است .

و در این حال با کمال دقت ذکر گردیده و در آنها خطا راه نیافته است و البته این امتیاز مخصوص

قرآن است .

(۱) امروز با آزمایشهای مکرر ثابت شده که انسان هر چه با همان بالا رود بر اثر رقیق شدن

هوا و کمبود کسیرن دچار خفان و تنگی نفس میشود و این تشبیه ، یکی از معجزات علمی قرآن مجید است که در مثال خود از این موضوع استفاده نموده در حالی که این حقیقت برای بشر آن روز کشف

نشده بود .

(۲) و السماء بنیناها باید و انما لموسعون .

(و قیامت صفحه ۴)

* * *

بنابر این چرا امام حسین (ع) را دوست نداریم و از دل و جان به او عشق نوزیم ؟ او ما و آئین مقدس ما را با خون پاک خود نجات داد ، او راه و رسم فداکاری ، آزادگی ، شهادت و افتخار ، جانبازی و فضیلت ، تسلیم نشدن در برابر کفر و بیباکی و شجاعت با همه دل آویختگی .

او بیعتی در سر آزادگان و سرسلسله شهدای راه خداست ، و همین موضوع است که به تاریخ زندگیمان و رنگش ابدیت بخشیده و دلای آزادگان و مجاهدان و مردم با ایمان و حق طلب را بسوی او محسوب ساخته است .

اگر شخصیت امام حسین جاودانی و جهانی است با این دلیل است که مستی حق و باطل ، پیکار عدالت با بیعدالتی ، مخصوص قوم و ملت و زمان و مکان معینی نیست .

و اگر می بینیم بر دگر پیشوای جهان اسلام پیغمبر گرامی ما (ص) سالها پیش از شهادت فرزندش امام حسین (ع) این حقیقت را پیش بینی کرده و فرموده : ان لقلل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً ؛ و شهادت امام حسین (ع) آنچنان شعله ای از عواطف و احساسات دردناک مردم با ایمان بر می افروزد که هرگز سرد و خاموش نمیکردده نیز اشاره به همین واقعیت است .